

طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی به منظور جامعه‌پذیری سیاسی در دوران انقلاب اسلامی (مورد مطالعه: دانش‌آموزان رشته فنی و حرفه‌ای)

پریا مسیبه داریانی^۱، صغری افکانه^۲، کورش معین^۳، فتح ناظم^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۶

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی به منظور جامعه‌پذیری سیاسی در دوران انقلاب اسلامی (مورد مطالعه: دانش‌آموزان رشته فنی و حرفه‌ای) انجام پذیرفت. روش پژوهش برحسب هدف، کاربردی؛ برحسب نوع داده، آمیخته (کیفی-کمی) از نوع اکتشافی؛ برحسب زمان گردآوری داده، مقطعی و برحسب روش گردآوری داده‌ها و یا ماهیت و روش پژوهش، توصیفی بود. جامعه آماری بخش کیفی پژوهش شامل نخبگان سازمانی و دانشگاهی بودند و برای تعیین نمونه، از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند استفاده شد. گروه دوم از جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانش‌آموزان رشته فنی و حرفه‌ای در شهر تهران به تعداد ۹۷۰ نفر بودند که با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای ۲۷۵ دانش‌آموز به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شد. برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش در بخش کیفی از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و در بخش کمی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. روایی و پایایی ابزارها مورد تأیید قرار گرفت. در بخش کمی با توجه به سؤال‌های پژوهش از روش‌های کدگذاری نظری، همبستگی پیرسون، و آزمون تی تک نمونه‌ای بهره گرفته شد. نتایج پژوهش نشان داد که ابعاد هدف، محتوا و ارزشیابی به‌عنوان ابعاد برنامه درسی جامعه‌پذیری سیاسی شناسایی شدند.

واژگان اصلی: برنامه درسی، جامعه‌پذیری سیاسی، انقلاب اسلامی، چالش برانگیز.

۱. دانشجوی دکتری علوم تربیتی، برنامه‌ریزی درسی، واحد رودهن دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران
۲. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران (نویسنده مسئول) safkaneh@gmail.com
۳. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران
۴. دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

مقدمه

رویکرد جامعه‌پذیری فرایند پویا، مداوم و اجتناب‌ناپذیر یادگیری الگوهای فکری و رفتاری، شیوه‌های زندگی، خلق و خوی جمعی و شکل‌گیری "من اجتماعی، دست‌یابی به "خود" یا آگاه شدن از خود به عنوان یک موجود دارای هویت مشخص و مستقل، گره خوردن عمیق و وثیق فرد با جامعه و نسل‌های پیشین، بازتولید جامعه از طریق افراد و ضامن استمرار و پیوستگی خطی جامعه در توالی نسل‌های مختلف است (کروگر و همکاران^۱، ۲۰۲۲: ۱۹۹). می‌توان گفت که جامعه‌پذیری، فرایند اخذ اعتقادات، گرایش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و عادات از فرهنگ یا فرایند آموزش راه‌های زندگی کردن در جامعه، شخصیت‌یابی و بسط ظرفیت‌های وجودی در راستای انجام وظایف فردی و ایفای عضویت اجتماعی است. جامعه‌پذیری که همان اجتماعی شدن است (امیری، ۱۴۰۰)، در واقع، به معنای هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی است و یکی از زیرمجموعه‌های جامعه‌پذیری، نوع سیاسی آن است. این نوع در جامعه‌پذیری بسیار حائز اهمیت است از این‌رو، می‌توان آنرا به عنوان جامعه‌پذیری سیاسی مطرح کرد (کریمیم و همکاران^۲، ۲۰۲۲). این مفهوم به معنای انتقال فرهنگ سیاسی از نسلی به نسل دیگر و یا شکل‌گیری هنجارهای سیاسی فرد می‌باشد (کلیر^۳، ۲۰۲۲: ۱۵۶). بدون شک یکی از مهمترین اقدامات دولتهای امروزی کوشش در جهت حفظ و سپس انتقال و گسترش ارزشهای سیاسی و اجتماعی نظام سیاسی خود به نسل‌های بعدی می‌باشد (دیرمان^۴، ۲۰۲۱: ۵۱۲) که اگر این مهم با بی‌توجهی مسئولین نظام رو به رو گردد، تداوم نظام سیاسی کشور با مشکل مواجه خواهد شد.

در پژوهش حاضر، به طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه‌دستی به منظور جامعه‌پذیری سیاسی در دوران انقلاب اسلامی در مطالعه: دانش‌آموزان رشته فنی و حرفه‌ای پرداخته شد. با توجه به اهمیت جامعه‌پذیری سیاسی، این پژوهش به این موضوع پرداخته است. اما در مقایسه با پژوهش‌های انجام شده، می‌توان گفت که تقریباً هیچ پژوهشی مانند این پژوهش، انجام نشده است. نوآوری این پژوهش در ابتدا در ارتباط با قلمرو موضوعی است. همچنین روش پژوهش حاضر که از نوع آمیخته است اما در

^۱ Krueger, et al

^۲ Karimim, et al

^۳ Claeys

^۴ Dyrman

پژوهشهای دیگر معمولاً از این روش استفاده نشده است و همچنین در مورد جامعه آماری پژوهش باید گفت که اکثر پژوهشهای انجام شده در جامعه آماری متفاوتی انجام پذیرفته است و معمولاً در افراد بزرگسال به تبیین جامعه پذیری سیاسی پرداخته اند. اما در پژوهش حاضر، دانش آموزان مورد بررسی قرار گرفته اند.

ادبیات نظری پژوهش

جامعه پذیری سیاسی، روندی است که فرد در آن، با وظایف، حقوق و نقشهای سیاسی خود در جامعه آشنا می شود (نیر^۱، ۲۰۲۰: ۱۹۷).

در این فرایند «فرهنگ سیاسی جامعه» از نسلی به نسل دیگر، یا از نهادی به گروههای مختلف جامعه انتقال می یابد. نهادهای جامعه پذیری سیاسی، با انتقال «فرهنگ سیاسی»، هم شرایط تداوم حیات سیاسی و نظام ارزشی آن را فراهم می کنند و هم سبب ثبات فرهنگ سیاسی، اجتماعی و سستها می شوند (ترنر^۲، ۲۰۱۸: ۱۹۷). انقلاب اسلامی ایران با پیدایش خود در عصری که حضور اجتماعی دین پایان یافته تلقی می شد، چالش های نظری فراوری آنچه دنیای غرب آن را یوتوپای بشر می پنداشت، ایجاد کرد و در پی آن موجی از نظریه پردازی غرب را به خود معطوف ساخت. با این توصیف نقطه تعاملی جامعه شناسی و سیاست را می توان در نگرش سیاسی مطرح کرد. چراکه نگرش سیاسی مفهومی پُرکاربرد در روان شناسی اجتماعی و جامعه شناسی سیاسی است؛ با این وجود توجه اندکی به آن در این رشته می شود. اما، به جهت اهمیت نگرش سیاسی در افزایش احتمال پیش بینی رفتارهای سیاسی می باید توجه به آن مورد توجه قرار گیرد (ریاضی و سام دلبری، ۱۴۰۰: ۱۰۵).

یکی از مشکلات اساسی جامعه ایران، غفلت از جامعه پذیری و گسست نسلهای مختلف با آموزه ها و هنجارهای سیاسی، و شکاف میان مسئولین نظام با بخشی از جامعه (به خصوص نوجوانان و جوانان) است (جلالی راد و همکاران، ۱۴۰۱). عدم توجه به این امر باعث بی اعتنائی جوانان نسبت به سرنوشت کشور و آسیب پذیری آنان در برابر تبلیغات نادرست معاندین می شود. نظام حکومتی کشور ایران بر اساس، دین و بر پایه آموزه های شریعت سامان یافته است و حاکمیت ارزشی و هنجارهای دینی در عرصه های مختلف (سیاست، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ) در رأس برنامه ها و اهداف آن قرار دارد. از طرفی بین سیاست و دین، جدایی وجود ندارد (سردارنیا و همکاران، ۱۴۰۱). از اینرو «پاسداران

^۱ Nair

^۲ Turner

مرز دین» و «مبلغان راستین شریعت» وظایف و تکالیف حساس و دشواری در «امر جامعه پذیری سیاسی» بر عهده دارند. جامعه‌پذیری سیاسی می‌توان به عنوان «تربیت سیاسی» نیز یاد کرد (کریمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۶). تربیت سیاسی، در واقع، مهم‌ترین نوع تربیت است که در تحقق اهداف مادی و معنوی جامعه نقش اساسی ایفا می‌کند. این مفهوم، ضمن پرورش شهروندان وظیفه‌شناس و متعهد در جامعه، آنها را با معیارها و هدف‌های نظام سیاسی اسلام آشنا می‌سازد. تربیت سیاسی، برای جوانان و نوجوانان از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا آنان حامیان و پشتیبانان فعلی نظام و سیاست‌مداران آینده هستند (ساعی فر و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۷).

عوامل متعددی در جامعه‌پذیری سیاسی تاثیر دارند؛ برای نمونه برخی از دروس دینی در مدارس، عمداً برای همین مقصود طراحی شده‌اند و برخی دیگر مانند گروه هم سالان و همکاران، احتمالاً به شکل غیرمستقیم در جامعه‌پذیری سیاسی نقش دارند. عوامل جامعه‌پذیری را می‌توان شامل، خانواده؛ مدرسه و نهادهای آموزشی؛ نهادهای مذهبی؛ گروه همسالان (گروه‌های هم‌سال)؛ حرفه، طبقه و منزلت اجتماعی (همکاران، دوستان و آشنایان)؛ رسانه‌های جمعی؛ گروه‌های نفوذ؛ احزاب سیاسی؛ تماس مستقیم با ساختارهای حکومت دانست. هر کدام از این عوامل به نوعی در انتقال فرهنگ سیاسی نقش دارند. یکی از مهمترین راه‌هایی که افراد به پذیرش شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی روی می‌آورند، در نهاد اجتماعی و آموزشی صورت می‌گیرد. سازمانی همچون مدرسه قادر است از طریق شیوه‌ها و رویکردهای عملی و نظری افراد را برای این امر خطیر تربیت کرده و استعدادها و خلاقیت‌های ایشان را پرورش می‌دهند. بر اساس دستاوردها برنامه‌ریزی درسی که در این سازمان‌ها از طریق تعامل و کنش‌های متقابل شکل می‌گیرد، سرمایه‌های بالقوه انسانی و اجتماعی افراد قابل تبدیل به فعلیت یا شدن مطابق با ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ حاکم بر نظام اجتماعی مهیا می‌گردد؛ و این جامعه و خود اوست که زمینه‌چین فرایند جامعه‌پذیری تربیتی را در حوزه‌های مختلف از جمله تربیت سیاسی فراهم می‌کند. بر این اساس، یکی از عوامل مهمی که می‌توان به عنوان عامل اساسی در جامعه‌پذیری سیاسی در دوران انقلاب اسلامی برای دانش‌آموزان از آن یاد کرد، برنامه‌درسی مبتنی بر جامعه‌پذیری سیاسی است (نقیب‌زاده و امانی، ۱۴۰۰: ۱۱۸۰).

برنامه‌درسی در مدارس باید به گونه‌ای باشد که شیوه انتقال فرهنگ سیاسی را برای نسل نوجوان و جوان جامعه فراهم کند. این برنامه‌ها باید به توزیع الگوهای جهت‌گیرانه نسبت به موضوعات سیاسی در بین نسل دانش‌پذیر اهتمام ورزد که این جهت‌گیری‌ها در این برنامه‌ها عبارتند از جهت

گیری شناختی، به این معنا که آگاهی نسل دانش پذیر ما را از نظام سیاسی بدون اغماض های حزبی ارتقاء دهد و باور به این نظام و نقش هایی را که افراد و سازمان ها و نهادهای حاکمیت در این نظام ایفاء می نمایند، توسعه دهد، جهت گیری عاطفی یا احساسات نسل جوان و نوجوان دانش پذیر جامعه آموزشی را نسبت به عملکرد نظام سیاسی مستحکم نماید و جهت گیری ارزیابی، به این معنا که به قوه تجزیه و تحلیل نسل دانش پذیر جامعه را در مورد موضوعات سیاسی فعال کند. چنین جهت گیری هایی در برنامه درسی کشور در حال حاضر و البته پس از دوره انقلاب اسلامی، از ضرورت های حمایتی برخوردار بوده که نظام وقت به حمایت از خود و حفظ میراث فرهنگ سیاسی خویش از طریق جامعه پذیری سیاسی پرداخته است (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۹).

تربیت سیاسی در مدارس بر اساس فرایند جامعه پذیری می تواند دارای دو نقش متفاوت باشد. ا یکسو این فرایند مهمترین عامل ثبات فرهنگ سیاسی و ساختار اجتماعی در طول زمان است. به عبارت دیگر هر نظام اجتماعی می کوشد تا ارزش ها، نگرش ها و دیدگاه های ضروری را برای تداوم نظام سیاسی خود را به افراد جامعه منتقل کند و انجام این کار از طریق فرایند جامعه پذیری سیاسی صورت می گیرد. اما از سوی دیگر فرایند جامعه پذیری می تواند وسیله بروز تغییرات اجتماعی و سیاسی نیز باشد. برای اینکه این کارکرد نیز تحقق یابد، باید در جریان جامعه پذیری سیاسی احساس توانمندی و تفکر انتقادی نیز به افراد آموزش داده شود. فراگیری این احساس می تواند بخش مهمی از تعلیم و تربیت مدنی باشد. پس جامعه پذیری سیاسی بالقوه منبع بروز تغییر نیز می باشد. با توجه به پیوند چنین ضرورتی بین فرایند تربیت سیاسی و جامعه پذیری سیاسی دولتمردان معمولاً زمانی نیاز به این برنامه های جامع درسی دارند که عناصری از بی ثباتی باقوه را درون نظام خود مشاهده می کنند (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴). بر این اساس در یک رویکرد و معنای عام و کلی فرایند جامعه پذیری سیاسی شامل تمام یادگیری های سیاسی، اعم از رسمی و غیررسمی، هدفمند یا بدون طرح و برنامه می باشد که در هر مرحله از دوران زندگی را شامل می شود. این یادگیری نه تنها شامل یادگیری های سیاسی صریح می شود بلکه شامل آن دسته از رفتارهایی که ظاهراً غیر سیاسی هستند ولی بر رفتار سیاسی اثر می گذارند نیز در بر می گیرد. لذا می توان گفت که جامعه پذیری سیاسی دارای دو قلمرو است: از یکسو فعالیت های نظام مند و روش مند و از سوی دیگر فعالیت های خودانگیخته و برنامه ریزی نشده می باشد (میرزایی و همکاران، ۱۴۰۱).

پورسعید (۱۳۹۹)، در مطالعه ای به بررسی جامعه پذیری و به طور خاص جامعه پذیری یا

اجتماعی شدن سیاسی پرداخته است و عنوان می‌کند که جامعه‌پذیری به معنای همسازی و هم‌نواایی فرد با ارزشها، هنجارها و نگرشهای گروهی است یا به مفهوم دیگر، اجتماعی شدن فراگردی است که به واسطه آن هر فرد، دانش و مهارت‌های اجتماعی لازم برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی را کسب می‌کند. مجموعه این ارزشها، هنجارها، نگرشها، دانشها و مهارتها، فرد را قادر می‌سازد که با گروهها و افراد جامعه، روابط و کنشهای متقابل داشته باشد. فراگرد اجتماعی شدن، امری مستمر و به نوعی مادام‌العمر است. جامعه‌پذیری سیاسی یعنی انتقال فرهنگ سیاسی از نسلی به نسل دیگر و یا شکل‌گیری ایستارها و هنجارهای سیاسی فرد در جامعه. جامعه‌پذیری سیاسی را می‌توان جریانی مستمر در تمام طول زندگی دانست که طی آن، شخصیت سیاسی افراد شکل می‌گیرد. این نوع از جامعه‌پذیری و یا به تعبیر دیگر فرهنگ‌پذیری سیاسی، همان انتقال فرهنگ سیاسی از نسلی به نسل دیگر است. در تحقیق پیش رو مفهوم اجتماعی شدن سیاسی موردبررسی قرار گرفته و عوامل، پیش‌فرضها و کارکردهای آن ارائه شده و همچنین جامعه‌پذیری سیاسی در جامعه ایران مورد کنکاش قرار می‌گیرد. همچنین، اکبری (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی برنامه ریزی آموزشی و جامعه‌پذیری سیاسی پرداخت و عنوان کرد که برنامه ریزی‌های آموزشی پرورشی سیاسی نسبت به فرهنگ سیاسی ملی، تربیت‌نخبگان سیاسی، ساخت آگاهانه سیاست ملی باید معطوف گردد. جامعه‌پذیری سیاسی از طریق برنامه ریزی آموزشی به نحو ارتباط میان فرد با نهاد سیاست و قدرت و به توزیع الگوهای جهت‌گیرانه (شناختی، عاطفی، ارزیابانه) منتهی می‌گردد. برنامه ریزی تربیت سیاسی از یکسو مهمترین عامل ثبات فرهنگ سیاسی و از سوی دیگر می‌تواند وسیله بروز تغییرات اجتماعی و سیاسی نیز باشد. در جامعه آموزشی ایران باید بین این سه فرایند (جامعه‌پذیری اولیه اجتماعی شدن سیاسی و گمارش سیاسی) درجه بالایی از پیوستگی و تداوم را در برنامه ریزی‌های درسی معطوف بود، که این سه فرایند تربیت سیاسی را به صورت مداوم و پایدار تداوم می‌بخشد. رشیدی و همکاران (۱۳۹۹)، در مطالعه خود، به تحلیل مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در کتاب‌های درسی دوره متوسطه پرداخت و نشان داد که در کتاب‌های مورد مطالعه رویکرد غالب ترویج مؤلفه‌های سیاسی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی است که در فرایند آن مؤلفه‌های جمهوریت و حکمرانی خوب مورد کم-توجهی قرار گرفته است. مؤلفه‌های هویت سیاسی دینی و ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی مهم-ترین مقولات مربوط به جامعه‌پذیری سیاسی در این کتاب‌ها می‌باشند که از طریق غیریت‌سازی یا معرفی و نقد ایدئولوژیک هویت‌های سیاسی غربی مورد توجه قرار گرفته‌اند. همچنین ارزش‌های سیاسی انقلاب

اسلامی بیشتر از ارزش های اجتماعی و اقتصادی آن مورد تأکید است.

توجه به برنامه درسی در مقاطع مختلف تحصیلی حائز اهمیت است، اما پرداختن به این مهم در مقطع متوسطه از اهمیت بیشتری برخوردار است چراکه دانش آموزان به اشتغال و وارد شدن به بازار کار نزدیکتر هستند و می‌بایست بطورکامل برای حضور در اجتماع تربیت شوند. این تربیت هم از جنبه اجتماعی و اقتصادی مهم است و هم از جنبه فرهنگی و سیاسی. باتوجه به نقش و جایگاه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال و کارآفرینی و نیز وجود مشکل بیکاری در کشور، توجه هرچه بیشتر به ارتقای کیفیت آموزشی فنی و حرفه‌ای، امری بسیار اساسی و سازنده است. کیفیت بخشی به آموزش فنی و حرفه‌ای را باید ابتدا از برنامه درسی شروع کرد و در این برنامه جامعه پذیری دانش آموزان را ترسیم کرد. می‌توان گفت بین کیفیت نیروی انسانی تربیت شده در مراکز فنی و حرفه‌ای و کیفیت برنامه درسی رابطه مستقیمی وجود دارد (محمد شفیعی و همکاران، ۱۳۹۹). برنامه درسی، در واقع، تعامل و گفتمانی و گوی پیچیده‌ای است که برنامه‌ریزان درسی در تلاش هستند از طریق دستورالعمل‌های سازمان یافته، اهداف متمرکز و نتایج، آن را همچنان به منزله یک تعامل نگه دارند یا می‌توان گفت که برنامه درسی مجموعه‌ای از تجربیات فراهم شده برای فراگیران است که از طریق مدرسین منتقل می‌شود. عناصر مختلفی در شکل‌گیری برنامه درسی نقش دارند که به عقیده کلاین، نه عنصر هدف، محتوا، راهبردهای تدریس، فعالیت‌های یادگیری، مواد و منابع، گروه بندی، زمان و فضای یادگیری و ارزشیابی را می‌توان برای آن در نظر گرفت. برنامه درسی در فنی و حرفه‌ای با توجه به رسالتی که برعهده دارد بسیار حائز اهمیت است. سهم باری عادلانه عوامل در زنجیره تولید مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، به ویژه افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه از جمله تأکیدات رهبر انقلاب اسلامی ایران در راستای توجه به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است. این موضوع نشان دهنده توجه ایشان به آموزش فنی و حرفه‌ای است. حال برای جامعه پذیری سیاسی رد بین دانش آموزان فنی و حرفه‌ای می‌بایست مطالعه ای جامع انجام گیرد تا با ارائه راهکارهای لازم، دانش آموزان فارغ التحصیل از فنی و حرفه‌ای به نیروهایی پرورش یافته از جنبه سیاسی تبدیل شوند که در این بین نقش محتوای درسی و در کل برنامه درسی بسیار تاثیرگذار خواهد بود.

۱. روش شناسی

روش پژوهش برحسب هدف، کاربردی؛ برحسب نوع داده، آمیخته^۱ (کیفی-کمی) از نوع اکتشافی؛ برحسب زمان گردآوری داده، مقطعی و برحسب روش گردآوری داده‌ها و یا ماهیت و روش پژوهش، توصیفی بود. جامعه آماری بخش کیفی پژوهش شامل نخبگان سازمان آموزش و پرورش و اعضای هیئت علمی دانشگاهها هستند که فرایند برنامه ریزی درسی را تجربه کرده‌اند. برای تعیین نمونه‌های این پژوهش و تعیین این گروه از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند^۲ استفاده شد. گروه دوم از جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانش آموزان رشته فنی و حرفه‌ای در شهر تهران به تعداد ۹۷۰ نفر بودند که با استفاده از روش محاسبه حجم نمونه با فرمول کوکران و همین‌طور روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای^۳ ۲۷۵ دانش آموز به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شد. در این پژوهش طبقات شامل مدارس فنی و حرفه‌ای مناطق در شهر تهران بود که به نسبت دانش آموزان در هر منطقه حجم نمونه تعیین شد. لازم به ذکر است برای جلوگیری از احتمال ریزش نمونه ۳۰۰ پرسشنامه میان دانش آموزان توزیع شد که از این میان ۱۰ پرسشنامه به دلیل ناقص بودن کنار گذاشته شد و عملیات آماری روی ۲۹۰ پرسشنامه انجام شد.

برای جمع‌آوری داده‌های پژوهشدر بخش کیفی از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته استفاده شد. مرحله کمی پژوهش شامل پرسشنامه بود که از دو بخش اطلاعات جمعیت شناختی و پرسشنامه محقق ساخته از آن تشکیل شد. برای حصول اطمینان از روایی ابزار در بخش کیفی پژوهش و به‌منظور اطمینان خاطر از دقیق بودن یافته‌ها از دیدگاه پژوهشگر، از نظرات اساتید آشنا با این حوزه و متخصصان دانشگاهی که در این حوزه خبره و مطلع بودند استفاده شد. همچنین، در پژوهش کنونی از پایایی بازآزمون برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های انجام گرفته استفاده شد. به‌منظور تعیین روایی پرسشنامه از روایی ظاهری^۴، محتوایی^۴ استفاده شد. در روایی ظاهری پرسشنامه‌ها قبل از توزیع توسط پژوهش‌گر، چند نفر از اعضای نمونه و برخی خبرگان دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفت. در روایی محتوایی در قالب یک روش دلفی و با کمک فرم‌های CVI و CVR و به کمک ده نفر از خبرگان شامل اعضای مصاحبه‌شونده، خبرگان دانشگاهی و ... محتوای پرسشنامه از نظر سؤال‌های اضافی و یا اصلاح سؤال‌ها

۱ Mixed

۲ Goal oriented

۳ Faced Validity

۴ Content Validity

مورد بررسی قرار گرفت. فرم CVI نشان داد که همه سؤال‌های پرسشنامه از آن از نقطه نظر ساده بودن، واضح بودن و مربوط بودن از وضعیت مناسبی برخوردارند (میزان این ضریب برای هر یک از سؤال‌ها بالاتر از ۰,۷۹ بود)؛ هم‌چنین با توجه به اینکه مقدار CVR برای همه سؤال‌ها بالای ۰,۶۲، به دست آمد هیچ سؤال‌ی نیاز به حذف شدن نداشت. در این پژوهش پایایی از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. مقادیر این دو ضریب برای همه متغیرهای پژوهش بالای ۰,۷ به دست آمد که نشان‌دهنده پایا بودن ابزار اندازه‌گیری بود. روش تحلیل داده‌ها در بخش کیفی کدگذاری نظری برگرفته از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد با رویکرد اشتراوس و کوبین بود. در بخش کمی با توجه به سؤال‌های پژوهش از روش‌های کدگذاری نظری، همبستگی پیرسون، و آزمون تی تک نمونه‌ای با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS-v23، Smart PLS-v2 و Lisrel-v8 بهره گرفته شد.

۲. یافته‌ها

ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های برنامه درسی به منظور جامعه پذیری سیاسی در دوران انقلاب اسلامی کدامند؟

در شناسایی مولفه‌های برنامه درسی به منظور جامعه پذیری سیاسی در دوران انقلاب اسلامی، با ۲۰ خبره بر اساس مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۵ سؤال مصاحبه شد و از نرم‌افزار MAXQDA، که نرم‌افزاری حرفه‌ای برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده است، استفاده شد. نتایج نشان دادند که ابعاد اصلی تشکیل دهنده برنامه درسی جامعه پذیری سیاسی شامل، هدف، محتوا و ارزشیابی است. برای شناسایی این ابعاد ابتدا کدگذاری واحدهای معنایی و رسیدن به حد اشباع (زمانی که از تحلیل متن یا مصاحبه‌های جدید، مقولات یا کدهای جدیدی به دست نیاید)، انجام پذیرفت. پس از آن، بر اساس مشابهت کدها به یکدیگر مقوله‌بندی شدند و در نهایت چندین مقوله از داده‌های کیفی پدیدار شدند. در مرحله آخر از فرایند تحلیل کیفی حاضر، یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل، حول محور هدف اصلی قرار گرفت و با پیوند دادن کدها (کدگذاری باز)، مفاهیم (کدگذاری محوری) مشخص شد. طبقات به دست آمده در جدول زیر قابل مشاهده می باشد.

جدول ۱: کدگذاری باز، محوری و گزینشی (انتخابی)

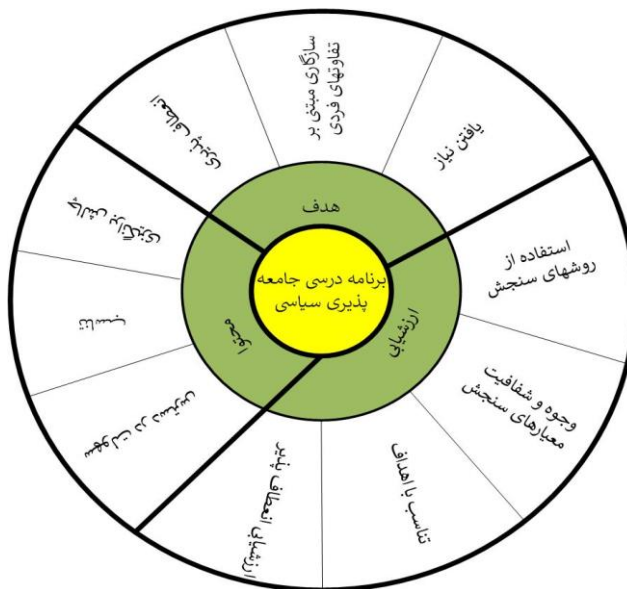
کدگذاری انتخابی (مقوله)	کدگذاری محوری (زیر مقوله)	کدگذاری باز (شاخص) واحد های مبتنایی
نیاز یافتن		I10, I6, I5, I1, I7 نیازسنجی در ارتباط با برنامه درسی مبتنی بر اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی
		I1, I2, I15 رصد نیاز آموزشی دانش آموزان فنی و حرفه ای در ارتباط با برنامه درسی مبتنی بر جامعه پذیری سیاسی
		I3, I5, I2, I11 تهیه برنامه درسی غیررسمی بر اساس نیاز به رشد سیاسی دانش آموزان
		I3, I4, I11, I5 ارزیابی امکانات موجود در مدارس فنی و حرفه ای برای اعمال برنامه درسی مبتنی بر رشد سیاسی
		I3, I8, I3 اقدام در جهت آگاهی سیاسی دانش آموزان
هدف	سازگاری فرهنگی و تفاوت های فردی	I2, I6, I10, I2 همخوانی برنامه درسی با تفاوت های سیاسی در دانش آموزان در اقلیم های مختلف
		I11, I9, I10, I2, I5 توجه به فرهنگ اجتماعی حوزه آموزشی برای استفاده از مزیت های برنامه درسی اعمال شده
		I6, I1, I1 سازماندهی و بسیج دانش آموزان خانواده اقلیت های سیاسی
		I8, I15, I3, I2 توجه به تعداد دانش آموزان فنی و حرفه ای که در معرض برنامه درسی جامعه پذیری سیاسی قرار می گیرند و اینکه با وجود گرایشات فرهنگی محتوایی مخصوص به خود، برنامه درسی یکسانی دریافت می کنند.
انعطاف پذیری		I5, I11, I4, I1 انعطاف پذیری برنامه درسی جامعه پذیری سیاسی نسبت به محیط
		I1, I2, I3, I7, I5 آشنایی دانش آموزان با مقامات و شخصیت های سیاسی د

	رجهت سازگاری بیشتر با اهداف سیاسی انقلاب اسلامی			
I8, I7, I11, I5	ارائه آزادی عمل به معلمان نسبت به اعمال برنامه درسی جامعه پذیری سیاسی به شیوه های مختلف			
I7, I3, I5, I17	ارائه اختیار به دانش آموزان نسبت به ابراز عقیده در زمینه اصول برنامه درسی جامعه پذیری سیاسی			
I1, I9, I1	اعمال برنامه درسی مبتنی بر رشد سیاسی دانش آموزان با توجه به تجهیزات فناورانه در دسترس			
I6, I7, I5, I7	سازماندهی محتوای سیاسی ارائه شده در برنامه درسی فنی و حرفه ای	چالش برانگیزی	مختصا	
I10, I3, I18, I2	جذابیت محتوای برنامه درسی جامعه پذیری سیاسی			
I7, I5, I1, I7	سیاسی سازی و بیدار سازی هویت های خفته دانش آموزان			
I11, I8, I4, I9	بسیج نیروهای بالقوه در جهت حمایت از جنبش های سیاسی دوران انقلاب اسلامی			
I4, I2, I6	ایجاد انگیزه جستجو و تحقیق با به رسمیت شناختن برنامه درسی جامعه پذیری سیاسی			
I4, I2, I8, I15, I9	به چالش کشاندن مسایل سیاسی روز با برنامه درسی مطرح شده			
I8, I2, I3, I1	دعوت از مدیران و معلمان فنی و حرفه ای به مشارکت در انتخاب محتوای درسی مبتنی بر جامعه پذیری سیاسی			
I11, I1, I15, I8, I6	ارائه محتوای جذاب و چالشی متناسب با مشاغل مختلف برای ایجاد رغبت در دانش آموزان			
I6, I9, I3, I5	ارزیابی محتوای برنامه درسی جامعه پذیری سیاسی متناسب با نیاز دانش آموزان			متناسبی
I2, I1, I10, I7	ارزیابی تناسب محتوای برنامه درسی جامعه پذیری سیاسی با امکاناتی که آموزش های مهارتی در فنی و حرفه ای ارائه می دهند.			
I10, I6, I5, I1, I7	ارزیابی تناسب محتوای برنامه درسی با سازوکارهای آموزشی در اختیار دانش آموزان			
I1, I2, I15	توجه به نیاز سیاسی بازار در ارائه برنامه درسی به دانش آموزان			

I3, I5, I2, I1, I11	تقویت یادگیری سیاست توسط دانش آموزان با محتوای مناسب	سهولت در دسترس	ارزشیابی
I3, I4, I11, I5	انگیزش معلمان نسبت به استفاده از روشهای فعال در یادگیری برنامه درسی جامعه پذیری سیاسی		
I6, I8, I10, I17, I4	در دسترس بودن برنامه درسی متناسب با رشد سیاسی دانش آموزان		
I10, I8, I1, I3, I4	در اختیار قرار دادن فناوری مورد نیاز برای اجرای برنامه درسی ارائه شده مبتنی بر جامعه پذیری سیاسی		
I3, I1, I5, I2, I16	استفاده آسان دانش آموزان و فهم ایشان از محتوای درسی جامعه پذیری سیاسی به عنوان عاملی برای پیشبرد یادگیری		
I2, I6, I10, I2	در اختیار قرار دادن امکانات مجازی به دانش آموزان برای تبادل اطلاعات سیاسی با یکدیگر در بستری امن		
I6, I9, I3, I5	ارزشیابی از برنامه درسی به شکل غیررسمی در راستای اهداف برنامه درسی مبتنی بر رشد سیاسی	تناسب سنجش و ارزشیابی با اهداف، محتوا و منابع یادگیری	
I2, I1, I10, I7	ارزشیابی برنامه درسی ارائه شده به منظور ارتقای یادگیری سیاسی دانش آموزان		
I4, I2, I8, I5, I9	مقایسه محتوای برنامه درسی ارائه شده با اصول کشف استعداد سیاسی دانش آموزان		
I8, I2, I19, I1	تعیین معیارهای یادگیری جامعه پذیری سیاسی	وضوح و شفافیت معیارهای سنجش	
I11, I3, I5, I9	تغییر معیارهای سنجش یادگیری متناسب با محتوای برنامه درسی ارائه شده		
I8, I7, I11, I18	شفافیت در سنجش عملکرد دانش آموزان نسبت به ارائه افکار سیاسی در میان همسالان		
I7, I9, I3, I8	ارزیابی دانش آموزان بر اساس معیارهای عملکرد و شایستگی سیاسی		
I1, I9, I1	استفاده از روشهای فعال برای سنجش	استفاده از روشهای سنجش	
I6, I7, I5, I2	آموزش خودارزیابی به عنوان مهم ترین گام در ارزیابی برنامه درسی جامعه پذیری سیاسی		
I8, I7, I11, I18	آگاهسازی دانش آموزان نسبت به انواع روشهای ارزشیابی از رشد سیاسی		

I7, I3, I9, I17	اعمال ارزشیابی فرایندی		
I6, I7, I5, I7	اعمال ارزیابی سستی در کنار سایر ارزیابیها برای ارزیابی فرایند رشد سیاسی دانش آموزان		
I10, I3, I18, I2	ارزیابی تغییر رفتار در دانش آموزان متأثر از برنامه درسی ارائه شده		
I7, I5, I1, I7	سنجش منصفانه دانش آموزان نسبت به رشد سیاسی در آنها	ارزشیابی و سنجش انعطاف پذیر	
I11, I2, I3, I9	ارزیابی بر اساس محیط		
I7, I5, I1, I7	ارزیابی، بر اساس امکانات آموزشی که به آنها داده شده		

نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان می‌دهد که از میان شاخص‌های (گویه) موجود، ۴۸ شاخص اصلی قابل شناسایی است. بر اساس ادبیات، پیشینه و نظریه‌های موجود این ابعاد و مولفه‌ها در نام-گذاری شدند. در نهایت، بر اساس شاخص‌ها و مؤلفه‌های شناسایی شده که بر اساس مستندات پژوهشی و مصاحبه با خبرگان شناسایی شد و تحلیل داده‌ها در بخش کمی، الگوی مفهومی پژوهش به صورت شکل زیر ارائه می‌گردد.



شکل ۱- مدل نهایی پژوهش

در ادامه برای اینکه بدانیم وضعیت مولفه‌های شناسایی شده برنامه درسی به منظور جامعه پذیری سیاسی در دوران انقلاب اسلامی چگونه است، با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها و مقیاس فاصله

ای متغیرها از آزمون t استفاده شده است. در این قسمت با توجه به اینکه مقیاس ۵ درجه‌ای است، ارزش عددی برای مقایسه با آماره تی را عدد ۳ در نظر گرفتیم. نتیجه آزمون تی تک نمونه‌ای در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۳: آزمون تی تک نمونه‌ای به منظور بررسی وضعیت موجود

ارزش آزمون = ۳		مقدار تی	Sig.	مولفه	بعد	متغیر	
فاصله اطمینان ۹۵ درصد از اختلاف							اختلاف میانگین
حد بالا	حد پایین						
۰,۵۴۷	۰,۳۶۴	۰,۴۵۵	۰,۰۰۰	۹,۷۸۳	یافتن نیاز	برنامه درسی به منظور جامعه‌پذیری سیاسی در دوران انقلاب اسلامی	
۰,۳۲۶	۰,۱۳۳	۰,۲۳۰	۰,۰۰۰	۴,۶۹۲	سازگاری مبتنی بر تفاوت‌های فردی		
۰,۵۵۰	۰,۳۷۴	۰,۴۶۲	۰,۰۰۰	۱۰,۳۱۸	انعطاف‌پذیری		
۰,۳۲۹	۰,۱۲۵	۰,۲۲۷	۰,۰۰۰	۴,۳۸۳	چالش‌برانگیزی		
۰,۲۸۵	۰,۰۸۶	۰,۱۸۶	۰,۰۰۰	۳,۶۷۱	تناسب		
۰,۳۲۵	۰,۱۳۶	۰,۲۳۰	۰,۰۰۰	۴,۷۷۸	سهولت در دسترس		
۰,۴۳۶	۰,۲۵۶	۰,۳۴۶	۰,۰۰۰	۷,۵۵۶	تناسب سنجش و ارزشیابی با اهداف، محتوا و منابع یادگیری		
۰,۳۴۴	۰,۱۷۵	۰,۲۵۹	۰,۰۰۰	۶,۰۶۲	وضوح و شفافیت معیارهای سنجش		
۰,۲۸۷	۰,۱۱۰	۰,۱۹۹	۰,۰۰۰	۴,۴۲۷	استفاده از روش‌های سنجش		
۰,۳۱۲	۰,۱۳۳	۰,۲۲۲	۰,۰۰۰	۴,۸۶۷	ارزشیابی و سنجش انعطاف‌پذیر		

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، سطح معناداری در همه مولفه‌ها کمتر از پنج صدم می‌باشد و بنابراین فرض صفر با ۹۵ درصد اطمینان برای این مولفه‌ها رد و فرض پژوهش تأیید می‌شود. همچنین، با توجه به اختلاف میانگین که مقادیری مثبت هستند، چنین استنباط می‌شود که وضعیت ابعاد در وضعیت مطلوب می‌باشد.

برای بررسی اعتبار الگوی نهایی، پرسشنامه سنجش الگو برای تعیین درجه اعتبار الگو به صورت طیف پنج‌درجه‌ای تنظیم و در اختیار ۳۰ نفر از متخصصان این حوزه قرار داده شد. سپس داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۴ قابل

مشاهده است.

جدول ۴. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای تعیین درجه

تناسب مدل پیشنهادی جهت ارائه مدل نهایی

میانگین مورد انتظار = ۳							
ردیف	آیتم	سوالات	میانگین	انحراف معیار	t	df	Sig.
۱	تطبیق	آیا مفاهیم از داده‌های بررسی شده تولید شده است؟	۳,۶۸	۱,۲۵۱	۹,۴۵	۲۹	۰,۰۰۰
۲	قابلیت فهم	آیا مفاهیم تشخیص داده می‌شوند و به شکل کلی نظام‌مند به هم مرتبط شده‌اند؟	۳,۸۴	۱,۲۲۵	۱۱,۹۰	۲۹	۰,۰۰۰
۳		آیا مقوله‌ها به‌خوبی تدوین شده‌اند؟	۳,۶۶	۱,۳۳۸	۸,۶۲	۲۹	۰,۰۰۰
۴	قابلیت	آیا نظریه چنان تبیین شده که تغییر شرایط متفاوت را در نظر بگیرد؟	۳,۸	۱,۲۵۷	۱۱,۰۵	۲۹	۰,۰۰۰
۵	تعمیم	آیا شرایط کلان‌تری که ممکن است بر پدیده مورد مطالعه اثر گذارد، تشریح شده است؟	۳,۷	۱,۱۸۵	۱۰,۲۷	۲۹	۰,۰۰۰
۶	کنترل	آیا یافته‌های نظری با اهمیت به نظر می‌رسند؟	۳,۶۴	۰,۸۸۵	۱۲,۶۴	۲۹	۰,۰۰۰

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد:

۱. تطبیق

در تطبیق، آماره t محاسبه شده (۹,۴۵) در سطح ۰,۰۱ معنادار است. مقایسه میانگین این جزء از مدل (۳,۶۸) با میانگین مورد انتظار نشان می‌دهد که تطبیق مدل از نظر متخصصان دارای اعتبار است و با اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته است.

۲. قابلیت فهم

در قابلیت فهم بودن مدل، آماره t محاسبه شده (۱۱,۸۲) در سطح ۰,۰۱ معنادار است. مقایسه میانگین این جز از مدل (۳,۷۵) با میانگین مورد انتظار نشان می‌دهد قابلیت فهم بودن مدل از نظر متخصصان دارای اعتبار است و با اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته است. در رابطه با سوالات

قابلیت فهم، آماره **t** محاسبه شده برای هر دو سوال در سطح ۰,۰۱ معنادار و میانگین مشاهده شده در هر یک از این دو سوال از میانگین مورد انتظار (۳) بالاتر است؛ لذا از نظر متخصصان جزء قابلیت فهم مدل محسوب می‌شود.

۳. قابلیت تعمیم

در قابلیت تعمیم بودن مدل، آماره **t** محاسبه شده (۱۱,۸۲) در سطح ۰,۰۱ معنادار است. مقایسه میانگین این جز از مدل (۳,۷۵) با میانگین مورد انتظار نشان می‌دهد قابلیت تعمیم بودن مدل از نظر متخصصان دارای اعتبار است و با اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته است. در رابطه با سوالات قابلیت تعمیم، آماره **t** محاسبه شده برای هر دو سوال در سطح ۰,۰۱ معنادار و میانگین مشاهده شده در هر یک از این دو سوال از میانگین مورد انتظار (۳) بالاتر است؛ لذا از نظر متخصصان جزء قابلیت تعمیم مدل محسوب می‌شود.

۴. کنترل

در کنترل مدل، آماره **t** محاسبه شده (۱۲,۶۴) در سطح ۰,۰۱ معنادار است. مقایسه میانگین این جز از مدل (۳,۶۴) با میانگین مورد انتظار نشان می‌دهد قابل کنترل بودن مدل از نظر متخصصان دارای اعتبار است و با اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته است. در رابطه با سوالات کنترل، آماره **t** محاسبه شده برای هر دو سوال در سطح ۰,۰۱ معنادار و میانگین مشاهده شده در هر یک از این دو سوال از میانگین مورد انتظار (۳) بالاتر است؛ لذا از نظر متخصصان جزء کنترل مدل محسوب می‌شود.

نتیجه گیری

فرایند تربیت سیاسی یا همان جامعه پذیری سیاسی در قالب رویکردهای برنامه درسی به صورت فعلیت یافته و یا بالقوه می‌تواند در شکوفاسازی سرمایه های انسانی و اجتماعی، کلید فهم کنش متقابل شهروندان با حاکمیت نظام سیاسی و اجتماعی وقت هر جامعه ای باشد. این رویکرد پویا باعث شکل گیری هویت های فرهنگی- اجتماعی و سیاسی خواهد شد که می‌تواند مهارت های زندگی را برای نسل دانش پذیر جامعه از جمله در بعد سیاسی با تاکید بر نگرش های عمیق و رفتارهای پایدار سیاسی نهادینه نماید. بر اساس دستاوردهای تدوین برنامه درسی جامعه پذیری سیاسی بر تاثیر پایدار مشارکت سیاسی و انسجام بخش هر جامعه ای کمک می‌کند تا درک و فهم نگرش در ابتدا دانش آموزان و بعد سایر افراد جامعه را برای تجزیه و تحلیل جامعه سیاسی ارتقاء

بخشد. این فرایند بر اساس چنین رویکردهایی سواد سیاسی و توسعه پایدار سیاسی را برای هر جامعه ای می تواند بوجود آورد و به نوعی حکمرانی مطلوب را در سطح نهاد آموزش می توان در بعد جامعه پذیری سیاسی از طریق رویکردهای برنامه ریزی درسی در جامعه آموزشی جامعه خودمان بسترسازی کرد و برای تبات و نظم عمومی جامعه در سال های آتی شهروندان را آماده نمود. بر این اساس برنامه درسی در نهاد آموزشی مبتنی بر تحقق الگوهای رفتاری انسجام بخش و مشارکت محور تربیت سیاسی افراد رفتارها و عملکردهای انسجام محور مربوط به توانایی دانشجویان و دانش آموزان به سمت ایجاد وحدت و یگانگی و تقویت هویت ملی، باید سوق یابد. در پژوهش حاضر به ابعاد این برنامه درسی پرداخته شد و مشخص شد که برنامه درسی جامعه پذیری سیاسی شامل، هدف، محتوا و ارزشیابی است. همچنین معین شد که با توجه به این ابعاد، اشاعه پرورش سیاسی نسبت به فرهنگ سیاسی ملی در بین دانش آموزان فنی و حرفه ای باید مورد اهتمام قرار گیرد و این پدیده عامل موثری در تربیت مهارت آموزانی سیاسی باید باشد و عامل انسجام بخش وحدت سیاسی ملت و ساخت آگاهانه سیاست ملی را باید این فرایند در نهاد آموزشی سرلوحه کارکردها و اهداف عالیه جامعه پذیری سیاسی قرار دهد. از طریق ارتقای این برنامه درسی درسی در نهاد آموزشی فنی و حرفه ای، در واقع، می توان به صورت پنهان به یادگیری های غیر سیاسی نظیر فراگیری ارزش های فرهنگی اشاره کرد که به طرق مختلف سیاسی بر ساختار جامعه از جمله خانواده اثر گذارست و از طریق یادگیری های آشکار می توان جهت گیری های سیاسی، اکتساب هنجارها و رفتارهای سیاسی مطلوب و مقبول نظام سیاسی حاکم و بلوغ سیاسی دانش آموزان را پرورش داد. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش پیشنهاداتی می توان ارائه داد:

- آگاهسازی دانش آموزان با ارائه گردهماییهایی که در مورد رشد سیاسی و لزوم آن صحبت شود.
- مرور رشد سیاسی دانش آموزان فنی و حرفه ای پس از انقلاب اسلامی.
- برنامه ریزی مدون برای ارتقای جامعه پذیری سیاسی در بین دانش آموزان.
- استفاده از برنامه درسی غیررسمی به منظور ارتقای آگاهی دانش آموزان از تربیت سیاسی.

کتابنامه

- اکبری، مریم (۱۳۹۸). «بررسی برنامه ریزی آموزشی و جامعه‌پذیری سیاسی»، دومین همایش ملی تحول در برنامه درسی
- امینی، محمد؛ صدیق ارفعی، فریبرز و قدمی، ملوک (۱۳۸۸). «بررسی اثربخشی برنامه درسی تربیت سیاسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش آموزان: مطالعه موردی شهر کاشان»، دو فصلنامه پژوهش‌های آموزش و یادگیری، دوره ۷، شماره ۱۲، بهار و تابستان، صص ۴۱-۵۴.
- امیری، سروش (۱۴۰۰). «بررسی جامعه‌شناسی قدرت انقلاب اسلامی ایران با انتخاب تبریز به عنوان پایتخت گردشگری جهان اسلام در سال ۲۰۱۸»، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، (۱)۲، صص ۱۰۷-۱۳۳
- پورسعید، محمدعلی (۱۳۹۹). «جامعه‌پذیری سیاسی: سطوح، عوامل و کارکردهای آن»، فصلنامه علمی تخصصی مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، (۷)۳، صص ۶۴-۵۵
- جلالی راد، محمد صادق؛ متقی، ابراهیم و سپهرنیا، رزیتا (۱۴۰۱). «سنجش مشارکت سیاسی مردم در الگوی فرهنگ سیاسی ایران از دیدگاه نخبگان؛ مورد مطالعه: شهروندان تهرانی»، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، (۱)۳، صص ۵۷-۲۵.
- رشیدی، احمد؛ اختیاری، امیررضا و سیف‌الله زاده، سجاد. (۱۳۹۹). «تحلیل مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در کتاب‌های درسی دوره متوسطه»، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، (۱۴)۶، صص ۲۳۱-۲۰۷.
- ریاضی، وحید و سام دلیری، کاظم (۱۴۰۰). «جامعه‌شناسی سیاسی؛ عوامل فردی، روان‌شناختی شکل‌گیری نگرش سیاسی در انقلاب اسلامی»، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، (۴)۲، صص ۱۲۲-۱۰۵.
- ساعی‌فر، محمد؛ امیرمظاهری، امیرمسعود؛ محکی، علی اصغر و مهاجری، اصغر (۱۴۰۱). «تعارض در ارزش‌های بنیادی و شیوه‌های جامعه‌پذیری سیاسی کارگزاران رسانه‌های جمعی ایران در سال ۱۳۹۹-۱۳۹۸»، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۱۷، صص ۱۳۸-۱۱۶.

- سردارنیا، خلیل الله؛ رستم یگانه، حفیظ الله و قریشی، جمیل (۱۴۰۱). «شکاف سیاسی_فکری و بحران اعتماد سیاسی و نهادی در ایران از دهه ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰»، جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۳(۱)، صص ۸۵-۱۰۹.
- عباسی، ابراهیم؛ شکبیا، محمدرضا؛ دریانورد، وحید و طهماسبی، سیروس (۱۳۹۷). «بررسی اهمیت تربیت سیاسی و اجتماعی برای کودکان»، سومین کنفرانس توانمندسازی جامعه در حوزه علوم انسانی و مطالعات روانشناسی، صص ۷-۱.
- کریمی، محمدکاظم؛ خیری، حسن و پوریانی، محمد حسین (۱۴۰۱). «نقش حکومت در ایجاد بسترهای جامعه‌پذیری سیاسی از منظر نهج‌البلاغه»، اسلام و مطالعات اجتماعی، ۳۶، صص ۱۵۵-۱۸۳.
- محمدشفیع، محبوبه؛ نیستانی، محمدرضا و میرشاه جعفری، سید ابراهیم (۱۳۹۹). «ارزیابی کیفیت برنامه درسی در آموزشهای مهارتی»، رویکردهای نوین آموزشی، ۱۵(۱)، صص ۷۹-۱۰۲.
- میرزایی، مهدی؛ محسنی فرد، حمید؛ آبدانی، احمد؛ محمدزاده، رحمن و هدایتی پناه، حمیرا (۱۴۰۱). «بررسی چگونگی پرورش ابعاد مختلف تربیت سیاسی دانش آموزان در مدرسه»، چهارمین کنفرانس بین المللی حقوق، روانشناسی، علوم تربیتی و رفتاری.
- نقیب زاده، احمد و امانی، وحید. (۱۴۰۰). «مقایسه گفتمان‌های سیاست خارجی در کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی دوران ریاست جمهوری خاتمی و احمدی‌نژاد»، فصلنامه سیاست، ۵۱(۴)، صص ۱۱۷۳-۱۱۹۷.
- Claeys, G. (2022). Mark Philp. Radical Conduct. Politics, Sociability and Equality in London 1789–1815. Cambridge University Press, Cambridge [etc.] 2020. xi+ 273 pp.£ 75.00.(E-book: \$80.00.). *International Review of Social History*, 67(1), 156-159.
- Dyrmann, K. (2021). Political sociability at the Brahetrolleborg estate in Denmark, 1789-90. *Scandinavian Journal of History*, 46(4), 510-530.
- Karimim, M., Khairi, H., & Pouryani, M. H. (2022). The role of government in creating the context of political socialization from the perspective of Nahj al-Balaghah. *Journal of Islam and Social Studies*, 9(4).
- Krueger, J. I., Grüning, D. J., & Sundar, T. (2022). Power and sociability. In *The Psychology of Sociability* (pp. 198-216). Routledge.
- Nair, D. (2020). Sociability in International Politics: Golf and ASEAN's Cold War Diplomacy. *International Political Sociology*, 14(2), 196-214.
- Turner, F. C. (2018). Reassessing political culture. In *New Approaches to Methods and Analysis* (pp. 195-224). Routledge.